

تبصره شتابانی بر آخرین کنفرانس جی ۸



رهبران حاضر در نشست گروه هشت در کمپ دیوید جمعه شب در کنار هم شام خوردند

نشست شام جمعه مورخ ۱۸ ماه می سال روان ترسایبی ۲۰۱۲ در کمپ دیوید با میزبانی اوباما رییس جمهور ایالات متحده آمریکا مسایل مختلفی را مورد بررسی و گفتگو قرار داد که از جمله بحران مالی ساحه یورو، موضعگیری جهان غرب در مورد برنامه هستوی ایران و تنش های سوریه است. در ضمن قرار گفته بی بی سی فارسی در مورد خروج ناتو از افغانستان و سرمایه گذاری جهان غرب در امور کشاورزی و غیره، بحث ها صورت خواهد گرفت. سپس این آقایان جهان در نشست ناتو در شیکاگوی آمریکا امروز یکشنبه و فردا دوشنبه تاریخ ۲۰ و ۲۱ می شرکت خواهند جست.

ولی آنچه درین گفتگوها در خور اهمیت است، گردن نهادن جهان غرب به مواضع غیر ناتویی است که در تنش های اخیر روی مسایل هستوی ایران و کوریای شمالی، مسئله بحران دولت یونان و عضویتش در اتحادیه اروپا و تشنج های سوریه در ماه های اخیر است که جانب ناتو و وال ستریت با پررویی به گفته غربی ها به خط قرمز تماس کردند و باعث واکنش های از جانب نیروهای غیر ناتویی (قبل از همه روسیه و چین) شدند.

این تغییر رادیکال موضع غرب و ناتو در مورد مسایل بالا، پیامد عملکرد های آنها در قبال مسایل جهانی یاد شده و واکنش روسیه و چین در خصوص تقسیم بازار های جهان بویژه در مورد برقراری کنترل کشورهای توانمند بر منابع طبیعی انرژی میباشد.

تعمیل فشار غرب بر ایران و سوریه تنش میان شرق و غرب را تا حدی به جلو راند که، علنی و غیر علنی، طرفین ناگزیر شدند دندان های شان را به همدیگر نشان دهند و هر کدام خطوط قرمز برای ساحه نفوذ و منافع خویش ترسیم کنند.

خواننده محترم بیاد دارد که چند ماه قبل در رسانه ها صحبت ها از مداخله نظامی بر سوریه و ایران سر زبان ها بود و اسرائیل پیشقدم شده بود تا سرحد تحمل پذیری دیگران را، البته با پشتیبانی ایالات متحده و ناتو، معلوم و آزمایش کند. اکنون طوری که از اولین انعکاس های رسانه یی بعد از همایش جی هشت بر می آید، غرب به نحوی، شاید موقتا و شاید هم ناگزیر در دراز مدت، منافع روسیه و چین را احترام میگذارد و آنها را در تقسیم جهان سهیم میسازد.

به قول بی بی سی فارسی «باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا در نشست امروز شنبه ۳۰ اردیبهشت ماه (۱۹ مه) رهبران گروه هشت گفت که رهبران این کشورها نسبت به ادامه روند تحریم ها و اعمال فشارها به همراه انجام مذاکرات دیپلماتیک با ایران بر سر برنامه هسته ای این کشور، متعهد هستند.

آقای اوباما در این نشست که در کمپ دیوید در جریان است به خبرنگاران گفت: "ما امیدواریم که بتوانیم این مساله را با روشی صلح آمیز و با احترام به استقلال و حفظ حقوق ایران در جامعه بین الملل حل کنیم.

رئیس جمهوری آمریکا ضمن ابراز "امیدواری" نسبت به مذاکرات بغداد گفت که تمامی رهبران جهان قبول دارند که ایران حق دارد که از برنامه هسته ای صلح آمیز برخوردار باشد، البته در صورتی که این کشور به قوانین بین المللی متعهد باشد.

قرار است دور دوم مذاکرات ایران و کشورهای ۵+۱ در سوم خرداد ماه در بغداد پایتخت عراق برگزار شود.

یک مقام آمریکایی روز جمعه ۲۹ اردیبهشت ماه (۱۸ مه) گفت که رهبران گروه هشت، موافقت کردند که ایران باید نسبت به اهداف برنامه هسته ای خود، سیاستی افشاگرانه در پیش گیرد».

در مورد سوریه نیز حقایقی وجود دارد که کاملا جنبه اقتصادی داشته و این کشور را در محراق توجه کشور های ذیعلاقه قرار داده است. بر اساس تحلیل یک مفسر و تحلیلگر سیاسی عرب تبار ([عماد فوضی شعبی](#))، سوریه کشوریست که اگر از نفت محروم است، اما ذخایر قابل ملاحظه یی از گاز طبیعی را دارا بوده و به همین لحاظ مورد حمایت روسیه و چین قرار گرفته است، به سببی که از یکسو نفت منبع انرژی رو به اتمام است و بازار های آن قبلا از جانب غرب تا حد زیادی اشغال شده و از سوی دیگر در بازار اقتصادی جهان هر کشوری که در آینده منابع انرژی (گاز طبیعی) کافی در اختیار یا کنترولش است، در سیاست های جهانی حرفی برای گفتن دارد.

برای نظام سرمایه داری جهانی در راس وال ستریت، جنگ یکی از شیوه های دست یابی به اهداف آزمندانه اش است، اما این گزینه تنها در صورتی مورد تطبیق است که در مقابلش مقاومتی وجود نداشته باشد، با کم ترین هزینه و سریعا به سر رسد و بدنامی کمتری ببار آرد. در خصوص راه حل نظامی مسایل ایران و سوریه، فشار روانی و تبلیغاتی تا حدی شدت کسب کرد که مانند دوران جنگ سرد، ملیون ها متفکر و انسان کره زمین را به بربادی زنده گی بشر متقاعد ساخت. از رده های خود نظام نیز افرادی بودند که احساس خطر عظیمی نمودند، بویژه زمانی که روسیه اعلان کرد که تا سرحد استفاده از سلاح هستوی در عقب ایران و سوریه خواهد ایستاد. همان بود که لحن غربی ها دوباره فروکش نمود و بار دیگر حرف راه حل از طریق دیپلوماسی بلند شد.

مسئله دیگر در با اهمیت همانا بحران عمیق ساختاری است که دامنگیر غرب می‌باشد. نظام اکنون در حالتی نیست که مانند دوران جنگ سرد در تقابل با شوروی از در زور داخل میدان شود. فشار مردم بر رژیم های استبدادی غربی تا حدی است که از دست رفتن یونان، اسپانیا، پرتغال و سایر کشور ها به موضوع مطرح روز تبدیل شده است. از جانب دیگر چور و غارت دارایی های عامه توسط الیگارشی مالی در اروپا و آمریکا امکانات ادامه این نظام (نئولیبرالیستی) را شدیداً زیر سوال برده است. با در نظر داشتتاً میت اقتصادی معاصر در جهان، این حالت میتواند به ساده گی از کنترل خارج شده و باعث شود تا این دولت ها دیگر نتوانند آقایی جهان را در چنگ خویش نگهدارند. تمام ترفند های که نظام در اختیار داشت، بکار بسته است تا از انکشاف بحران جلو گیری کند، اما این بار بحران مانند بحران های قبلی نیست، بل بحران ساختاری نظام است که ناشی از تضاد درونی عرضه و تقاضا می‌باشد و راه حل دیگری بجز تغییر ساختار ندارد.

با موجودیت این حقایق در مقام رهبری نظام سرمایه جهانی، اندیشه های نئولیبرالیستی «ابدیت سرمایه داری» در چارچوب یک نظام، «ختم تاریخ» و امثال هم (صرفنظر از اقدامات و تقلا های متنوع کنونی برای دریافت راه حل و بمنظور حفظ نظام و دوام عمر آن) آهسته آهسته به گورستان تاریخ سپرده میشوند. به روشنی ملاحظه میشود که دولت های سرمایه داری دیگر توان ادامه حکومت بالای مردم را با شیوه های سابق ندارند و مردم نیز آن دولت های مستبد را با تمام امکانات رد میکنند و نمیپذیرند. وضع برنامه های ریاضت اقتصادی و مالی از جانب دولت ها مردم را به جان رسانده و به تفکر وا داشته است که چند سال قبل از جانب دولت ها هزار ها میلیارد دالر پول از وجوه مالیات مردم به بانک ها و سکتورهای خصوصی سپرده شد و حالا مردم باید فاقه کشند؟ این چه سیاستی است از جانب دولت های «دموکرات» آنها ؟

به این حالت سابق (به خاطر اینکه به زعم برخی از روشنفکران فیلسوف نما، آن حرف ها کهنه شده است و حالا حقایق دیگری در روال اجرا قرار دارند) میگفتند وضع انقلابی. آنچه در این روند کمبود است، پیشاهنگی است که راهنمای مبارزات مردم قرار گیرد و آنها را بسیج نماید.

آنچه در ذهن تداعی میشود، کشور ما متأسفانه بار ها در این زمینه در اخیر قضیه سر رسیده و بجای دهان بوجی از اخیر بوجی محکم گرفته و با سقوط آن بیشترین ضربه را متحمل شده است. افغانستان در ختم نظام شوروی، از آن نظام بهره جو شد و سقوط را خیلی بد آزمایش کرد، اکنون نوبت آمریکا است.

بدا به حال ما! در قدم اول بدا به حال روشنفکرانی که تازه سوسیال دموکراسی و بازار آزاد را برای افغانستان توصیه میکنند. به خدا بهتر معلوم است!

و. خورمن، سویس، ۲۰ ماه می ۲۰۱۲